

حل مسائل زناشوئی

SOLVING MARRIAGE PROBLEMS

راه حل های کتاب مقدس
برای مشاوران کلیسا

Biblical Solutions for
Christian Counselors

مؤلف : جی آدامز (Jay Adams)
مترجم : شاهرخ صفوی

پیشگفتار نویسنده کتاب

سال های نه چندان دوری بود که پیامبران شوم جهان خبر مرگ کانون ازدواج را برای ما میآورند. با ظهور زندگی گروهی و اشتراکی، ازدواج های بی قید و شرط، و قرار داد های ازدواج قابل فسخ به عنوان سبک مُدرن و "متمن" زندگی، آینده زندگی زناشوئی به نحوی که در طول تاریخ "سننی" گردیده بود را غیر قابل دوام میدانستند.

اما با وجود پیش بینی های هولناک این افراد، نه تنها ازدواج ها دوام یافته است، بلکه ازدواج های مسیحیان قوی تر از هر زمان گردیده اند. در نتیجه چنین حملاتی به جانب ازدواج، تعلیمات و موضعات بیشتری در خصوص ازدواج ایجاد شده، کتاب های بیشتری نوشته شده، و علاقه زیادی به کسب "فن مشاوره ای ازدواج در کلیسا" به وجود آمده است.

پیشگفتار مترجم

این کتاب شامل ۸۰ صفحه می باشد و در نتیجه نمی توان آن را به صورت یک فایل منتشر ساخت. با انتشار جداگانه هر فصل، چاپ آن برای شما سریع تر خواهد بود.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شهرخ صفوی

فهرست مطالب

فصل اول: ازدواج نیاز به مشاوره مسیحی دارد

فصل دوم: ازدواج شخص مشاور

فصل سوم: چه باعث مسائل زناشویی می شود؟

فصل چهارم: برداشت هایی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش اول

فصل پنجم: برداشت هایی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش دوم

فصل ششم: ترکیبات گناه در زندگی : انواع عمومی

فصل هفتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی: بخش اول

فصل هشتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی : بخش دوم

فصل نهم: اهمیت روابط با دیگران

فصل دهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش اول

فصل یازدهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش دوم

فصل دوازدهم: نفوذ های معمول اجتماعی

فصل سیزدهم: چگونیج می توان مسائل زندگی زناشویی را شناسائی کرد

فصل چهاردهم: خیال ها و راه حل های باطل

فصل پانزدهم: مقاصد اساسی در مشاوره ازدواج

فصل شانزدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش اول - زنان

فصل هفدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش دوم - شوهران

خلاصه مطالب

فصل دهم

روابطی که ایجاد مسائل می کنند

بخش اول

در فصل قبل، تأکید من بر قدرتی بود که اشخاص مختلف بر ازدواج دارند، و همچنین لزوم قطع همه گونه روابط زیان بار و آسیب رسان. حال نگاه عمیقی به روابط خاصی که امکان تأثیر زیان باری را بر ازدواج دارند، و چه کار درموردشان می توان کرد صحبت خواهم نمود.

مشکلات با والدین

شاید بزرگترین مشکله ای که در زمینه روابط زناشوئی وجود دارد، مسائلی است که از جانب والدین زن و شوهر ایجاد می گرددند. در واقع می توان گفت که زن و شوهر با تمام خانواده ازدواج می کنند. برخلاف روابط دیگری که ادامه یا پایان دادن به آن ها در دست زن و شوهر است، رابطه با خویشاوندان نزدیک را نمی توان بسادگی قطع کرد و یا حتی از آن دوری کرد، چه نجات یافته باشند و چه نباشند.

رومیان ۱۲

۱۸: اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید.

ولی با این حال نباید بگذارید نفوذشان ازدواج شما را به نحوی ضعیف کنند. شاید مهمترین شرط لازم برای ایجاد رابطه مناسب با خویشاوندان، اجرای محتاطانه حکم خدا در این رابطه است:

پیدایش ۲

۲۴: از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش می پیوندد و آن دو یک تن می گرددند.

حکمی که در این آیه می بینیم، "ترک" کردن است، و دلیل آن است که در صورت اجرا، زن و مرد "یک تن" خواهدند شد. "ترک" کردن و "پیوستن"، هر دو ضرورت دارند. قید و بند های گذشته را بدون "ترک کردن" نمی توان از میان برد. همچنین قید و بند های تازه را نیز نمی توان ایجاد کرد، مگر آنچه در گذشته بود از میان برداشته شود. وفاداری ها، نگرانی ها، و همچنین سلسله مراتب فرمان برداری را نمی توان به همان شکل قبلی خود وارد زندگی زناشوئی کرد. پس از ازدواج رابطه کاملاً جدیدی را باید با والدین ایجاد نمود، و در حقیقت هیچ چیز مانند گذشته خود نمی تواند بماند. ازدواج، تعهدی است، که انسان شخص جدیدی خواهد شد و روابط و مسئولیت های جدیدی را خواهد پذیرفت.

اما معمولاً روابط گذشته کماکان به شکل قدیم خود باقی می مانند، و اگر تغییری کرده باشند، ناتمامند. به این دلیل لازم است مشاور ازدواج رابطه زن و شوهر با والدینشان را بشناسد. اگر سلسله مراتب فرمان برداری قطع نشده است، لازم است کمک کرد تا قطع شود، و اگر به شکل گناه الودی قطع گردیده است، ابتدا لازم است توبه شود و سپس مصالحه ایجاد گردد. به هر صورت، برای ازدواج سالم و کامیاب، رابطه سالم زن و شوهر با والدینشان ضروری است. این موضوعی است که مشاوران باید بطور کامل به آن رسیدگی کنند.

مورد دیگری که احتیاج به توضیح دارد، مسائلی است که میان زن و پدر و مادر شوهر ایجاد می‌شوند و یا میان شوهر و پدر مادر زن. این مسائل تنها مربوط به زوج‌های جوان نیست و سالیان دراز طول ادامه پیدا می‌کند.

مسئله دیگری این گونه است که شوهر بجای آنکه مسئولیت خود را بعنوان سرخانواده قبول کند، برای تصمیمات زندگی خود به پدرش تکیه می‌کند. البته مفهوم کلام خدا در رابطه با ازدواج، به زن نیز صدق می‌کند، اما تأکید صریح کلام این است: "مرد پدر و مادر خود را ترک کرده"، و به مرد مربوط می‌شود. چرا؟ چون او سرخانواده جدید است و او است که در برابر خدا مسئول تصمیماتی است که در زندگی جدید گرفته می‌شود. خصوصاً زمانی که شوهری در قطع رابطه گذشته خود قصور کرده و در نتیجه نمی‌تواند مسئولیت جدید خود را اجرا کند. در این صورت وضع بسیار نامساعدی ایجاد می‌گردد. البته منظور این نیست که نباید با پدر و مادرش مصلحت کند، بلکه در صورت مفید بودن عقایدشان باید پذیرای آن نیز باشد، ولی در نهایت تصمیم را باید خود شوهر بگیرد، چه تصمیم گرفته شده مخالف نظر پدر و مادر است و چه نیست. در نهایت او است که در مقابل خدا می‌ایستد و یا می‌افتد.

همچنین لازم است شوهر مادرش را نیز ترک کند. در اینجا است که مسائل عاطفی مشکلات فراوانی ایجاد می‌کنند. بند های عاطفی میان پسر و مادر بسیارند، خصوصاً در مواردی که مادر رابطه نزدیکی با شوهرش نداشته است. غالباً این گونه زنان رابطه ای که باید با همسرشان داشته باشند را با پرسشان ایجاد می‌کنند و نمی‌توانند پرسشان را رها کنند. حتی زمانی که پرسشان از خانه بیرون رفته، سعی می‌کنند او را نزدیک خود نگاه دارند. اگر مردی اجازه دهد چنین رابطه ای با مادرش ادامه پیدا کند، نه تنها به ازدواج خودش لطمه خواهد زد، بلکه به ازدواج پدر و مادرش نیز لطمه خواهد رساند. معمولاً مشاوران کلیسا متوجه می‌شوند که شوهران در این راه نیاز به کمک دارند.

بعضی موقع بخارتر مغروض بودن شوهر جوان و یا مسائل مالی دیگر، والدین نسبت به فرزندانشان احساس وظیفه می‌کنند. در این خصوص مشاور باید به شوهر جوان کمک کند تا مبلغ غرض را هر چه زودتر بازپرداخت کند (مثلاً از طریق چرداخت ماهیانه و یا غرض گرفتن از جای دیگر)، و یا با والدینش توافق کند که از کمک آنها سپاس گذار است، اما نمی‌توانند بگذارند این رابطه بر حاکمیت زندگی جدیدش نفوذی داشته باشد. والدین نباید قدرت نفوذ در تصمیمات زندگی زناشوئی فرزندانشان را با پول خریداری کنند. در بعضی مواقع بند های عاطفی بقدری محکم می‌باشند که فرزندان به تنهائی نمی‌توانند مسائل خود را حل کنند و مشاوران احتیاج دارند والدین را همراه زن و شوهر به جلسه مشاوره دعوت کنند تا همه با دیدگاه کلام خدا در خصوص رابطه با یکدیگر آشنا شوند و آموزش لازم را بدست آورند.

در بیشتر مواقع رفتار شوهر کلید حل مسائل می‌باشد. اگر او بر طبق آنچه خداوند در کتاب پیدایش امر کرده رفتار نماید، نهاتاً مسائل با پدر مادرها در زندگی زناشوئی حل خواهد شد. بدون برداشی در جهت ایجاد رابطه سودمند با والدین، امکان ایجاد نفوذ های زیان بار خواهد بود. هر چند والدین به ندرت قصد آسیب رساندن را دارند، اما گاهی رفتار بدون ملاحظه و خود خواهانه آن ها مسائلی را ایجاد می‌کند که آسیب آن بیش از آن است که صریحاً حمله ور شده باشند. معمولاً راه مستقیم و کوتاه مواجه شدن با مشکلات بهترین و سریع ترین نتیجه را می‌دهد، و هر چند امکان برخورد و ایجاد صحنه های هیجان انگیز وجود دارد، آیا بهتر نیست آنرا برای مدت کوتاهی تحمل کرد تا آنکه عواقب آن را ماه ها و سال ها در زندگی زناشوئی خود دید؟ نهایتاً زمانی آن جوش چرکین سر باز خواهد نمود، حال چه بهتر که زیر نظر خود آن را باز کرده و مداوا نمود.

قبلًا گفته شد که شاید همسر جوان احتیاج به توبه داشته باشد. غالباً قبل از ازدواج و یا اندکی بعد از آن، حرف هائی زده می شود، که اگر به خاطر فشار موقعیت موجود نبود هیچوقت زده نمی شد. با این حال، بهانه برای ابراز چنین حرف ها وجود ندارد، و مشاور باید تشویق به توبه کرده و مصالحه را پیش گیرد.

در مواردی لازم است که پدر و مادران توبه کنند. اگر مسیحی هستند، در مقابل خدا مسئول می باشند، و مشاور کلیسا باید بخاطر خیریت فرزندان، آن ها را نسبت به کاری که کرده اند آسنا سازد. همسران مسیحی باید بداند که مسئول روابط خود با خدا و والدین خود هستند. توبه کردن نباید عملی زیرکانه برای تشویق والدین به توبه انجام شود، بلکه امری است که نیت آن باید اجرای حکم خدا باشد. خدا درون دل را می بیند.

بسیاری از مسائل ازدواج که مربوط به والدین میباشند در باب دوم پیدایش به آنها رسیدگی شده است. در آن فصل از کتاب، کلام خدا پایه مناسی را برای حل این گونه مشکلات فراهم ساخته است. باید بیاد داشت که رابطه زناشوئی در درجه اولویت خاصی قرار دارد. رابطه پدر و مادر با اولادشان موقتی است، و خدا می فرماید بخاطر ازدواج باید قطع شود. این قواعد را بخاطر بسپارید و کمک کنید تا زن و شوهران همراه والدین خود این حقایق را درک کنند، و آنوقت راه زیادی را در رفع مسائل خانوادگیشان بعمل خواهید آورد.

مسائل با فرزندان

منظور من در این کتاب، مطالعه مسائل خانوادگی نیست^(۱)، ولی از آنجائی که فرزندان میتوانند سرچشمۀ مشکلات میان زن و شوهر باشند، لازم به رسیدگی هستند.

جر و بحث های زیادی مربوط به فرزندان می باشند. باید بطور دائم برایشان تصمیم گرفت، و مانند گناه کاران کوچک بیش از آنچه انتظار می رود مرتکب شیطنت می شوند. نفوذی هستند خارج از ازدواج، که در خود خانه ساکن می باشد.

انضباط فرزندان، معمولاً عنصر اصلی مشاجره میان زن و شوهران می باشد. در اینجا باید بیاد آورد که وظیفه زن "یار" بودن است، و هیچ گونه محدودیتی را در این عنوان در (پیدایش ۲: ۱۸) نمی بینیم. بطور مثال، نمی گوید که تنها در امور خانگی باید یاری کند. او به همه شکل باید برای شوهرش یار باشد. و آن شامل کمک فکری نیز می باشد. اما منظور آن نیست که عقاید خود را با نق زدن و تحمیل کردن بر کرسی بشاند. طریق اظهار نظر و نصیحت او باید حقیقتاً کمک برساند. شوهر نیز در جریان تصمیم گیری راجع به انضباط فرزندان، باید به عقاید زنش کاملاً گوش داده و مورد نظر بگیرد. اگر او نتواند از طریق کلام خدا نشان دهد که عقیده زنش درست نیست، باید به عقیده او توجه کند. اما شوهر است که نهایتاً تصمیم می گیرد، و زن او نباید تصمیم او را رد کند، خصوصاً در مقابل فرزندان. مادر نباید هیچوقت انضباط پدر را تحلیل نماید.

در مواقعي نیز دیده شده که شوهر (پدر) بقدر کافی فرزندانش را انضباط نمی کند، و یا انتظار دارد زنش آن را انجام دهد. او را باید با وظایف پدرانه خود که در فصل ۶ افسسیان شرح داده شده، مواجه کرد. مشاوران ازدواج غالباً مجبور خواهند شد زن و شوهران را کمک کنند تا عقایدی که نسبت به انضباط فرزندان دارند را با همدیگر شریک شوند (معمولًا ارتباط میان پدر و مادر ها به خاطر مسائل حل نشده که با فرزندان خود دارند، تیره میشود). معمولاً، وقتی این حرف ها زده شد و توافق در طریق اجرای آن نیز بدست آمد، انواع پیش آمد های خوب دیگری نیز رخ می دهنند. بخاطر آنکه والدین، فرزندانشان را دوست دارند و برای رفاه حال آنها اهمیت زیادی قائلند، زندگی فرزندان موضوع

حساسی است که امکان ویران ساختن ازدواج را دارد. مشاوران کلیسا باید چنین مواردی را به یاد داشته باشند، و مورد تحقیق قرار بدهند.

بعضی موقع مسئله به قدری پیش رفته که شوهر را بر ضد زن، و فرزندان را نیز میان آن دو تقسیم کرده است. از شکل نشستن آنها در مقابل مشاور کلیسا، می توان ترکیب دسته بندی را مشاهده کرد! مشاهده پدر و مادری که فرزندان خود را بر علیه یکدیگر، و بر علیه خواهان و برادرانشان دسته بندی کرده اند، بسیار درد ناک است. چنین شخصی را باید به کنار کشید و او را متوجه کاری که کرده نمود، و به توبه هدایت کرد. تنها در آن صورت است که می توان قدم های مؤثری را در ایجاد مصالحه و سلامتی برداشت. پس از توبه، باید انتظار روحیه عفو و بخشش را بوجود آورد. و پس از ایجاد کامل عفو و بخشش، باید معلوم کرد که از نقطه نظر کلام خدا مسئله به چه صورت است، و آیا موارد دیگری وجود دارند که لازم به رسیدگی دارند یا نه.

حتی بعد از مصالحه و حل تمام ابعاد مسئله، امکان دارد یکی دو تن از فرزندان کوشش کنند آن پیوند جدید یک تن بودن پدر و مادر را خراب کنند. مسئله به این شکل است که فرزند توanstه از طریق به جان هم انداختن پدر و مادرش، عکس العملی را ایجاد کند تا آنچه می خواهد را به دست آورد. و حال که مشاهده کرده نقشه او عملی نیست، ممکن است در مخالفت با همبستگی جدید قدم بردارد. مشاوران باید امکان وجود چنین مسئله ای را بدهند و اگر دیده شد سعی کنند جلوی آن را بگیرند.

فهرست زیر نویس های فصل دهم

- (۱) برای صحبت بیشتر راجع به این موضوع به کتاب من ”زنگی در خانواده مسیحی“ رجوع کنید.
(این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است).